نیکوبخت، ناصر؛ اصغری نکاح، سیدمحسن؛ رضایی، سمیه؛ فسائی، جعفر (۱۳۹۹). تحلیل روان‌شناختی «نیاز به آزادی» در شخصیت‌های داستان‌های برگزیده کودک و نوجوان؛ براساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۰ (۱)، ۲۲۴- ۲۵۳.

تحلیل روان‌شناختی «نیاز به آزادی» در شخصیت‌های داستان‌های برگزیده کتاب‌های کودک و نوجوان؛ براساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر [1]

ناصر نیکوبخت[2]، سیدمحسن اصغری‌نکاح[3]، سمیه رضایی[4]، جعفر فسائی[5]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷ DOI: 10.22067/riis.v0i0.82711

چکیده

مقدمه: قصه‌ها و داستان‌ها و به‌صورت مشخص آفرینش‌های ادبی حوزه کودک واجد این قابلیت بسیار مهم است که می‌تواند در راستای تربیت و اصلاح برخی از ناهنجاری‌های رفتاری و شخصیتی و نیز تقویت پاره‌ای از توانمندی‌ها در کودکان به‌کار گرفته شود.

روش‌شناسی: تحلیل میزان و ضریب تأثیرگذاری داستان‌های مزبور مستلزم به‌کارگیری شاخه‌ای از نقد ادبی است که در حوزه نقد روان‌شناختی قرار دارد. در این میان، آرا و نظریات ویلیام گلاسر به‌عنوان یکی از روان‌شناسان مثبت‌نگر، ابزار مناسبی جهت تحلیل این‌گونه متون می‌باشد. نیاز به آزادی یکی از نیازهای اساسی آدمی است که در نظریه گلاسر نیز به آن پرداخته شده است؛ بنابراین پژوهش حاضر، به بررسی ۱۴۵ کتاب برگزیده کودک (تألیف و ترجمه) در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۹۰ و تحلیل روان‌شناختی ۳۰ داستان که نیاز به آزادی در شخصیت‌های آنها برجسته‌تر است، به روش تحلیل محتوای کیفی- قیاسی پرداخته است. داده‌ها به روش اسنادی جمع‌آوری و برای انتخاب نمونه پژوهش از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است.

یافته‌ها: در این پژوهش، آزادی به دو بخش آزادی مثبت و منفی تقسیم شده است. آزادی مثبت به شخصیت‌هایی مربوط می‌شود که در پی ارضای یک نیاز طبیعی و سالم، اغلب رفتار درست را انتخاب می‌کنند. شخصیت‌های دارای آزادی منفی شخصیت‌هایی هستند که برای رسیدن به اهداف خود، حقوق افراد را زیر پا می‌گذارند.

---

۱. این پژوهش حاصل فعالیت پژوهشی پسادکتری با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران می‌باشد.

۲. استاد بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، n_nikoubakht@modares.ac.ir

۳. استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، Asghri-n@um.ac.ir

۴. پژوهشگر پسادکتری دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، somayehrezaee@ymail.com

۵. دانش‌آموخته دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان، رایانامه: jfasaei@yahoo.com

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از این حقیقت است که شخصیت‌هایی که با آزادی مثبت برانگیخته می‌شوند و برای ارضای نیاز مزبور رفتار درست را انتخاب می‌کنند، در پایان داستان، دستاوردهای مطلوبی دارند و شخصیت‌هایی که یا با آزادی منفی برانگیخته می‌شوند یا برای ارضای نیاز به آزادی رفتار نادرست را انتخاب می‌کنند، در پایان داستان شکست می‌خورند.
در پایان به نویسندگان و منتقدان ادبیات کودک و نوجوان توصیه می‌شود، با مطالعه روان‌شناسی کودکان، به خلق و گزینش آثار مناسب برای آنها بپردازند. پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان نیز با همراهی متخصصان روان‌شناسی به نقد روان‌شناسانه همه آثار مربوط به این مخاطبان کوچک براساس نظریه گلاسر و دیگر نظریات عمده مشاوره و روان‌درمانی، متناسب با موضوع داستان‌ها همت گمارند.

کلیدواژه: شخصیت‌های داستانی، کتاب‌های داستانی کودک و نوجوان، نیاز به آزادی، نظریه انتخاب، ویلیام گلاسر.

مقدمه

ادبیات کودک، تأثیر بسیاری در سلامت ذهن و روان او دارد. ذهن کودک برای فراگیری شکل گرفته است و روند فراگیری در او بسیار قدرتمندتر از بزرگسالان است؛ بنابراین بر والدین است که تغذیهٔ ذهن و روان کودکان را مدیریت کنند. بخش اعظم اندوخته‌ای که آنان را به این هدف می‌رساند، بی‌شک در خزانهٔ ادبیات است. «بچه‌ها مانند نهال‌های ترد و نازک هستند... باغبان مهربان هیچ‌وقت بذر را نمی‌کارد که بعد آن‌را به حال خود رها کند. باغبان بذر را آبیاری می‌کند و در برابر علف‌های هرز که ممکن است مانع رشد دانه بشوند، از گیاهان محافظت می‌کند. او می‌داند که راست کردن نهالی که کج کاشته شده و رشد کرده بی‌نهایت دشوار است» (روشن،۱۳۹۱: ۳۱).

شعر و داستان و همهٔ قالب‌ها و انواع کودکانه، هریک در جایگاه خود نقشی در آموزش‌وپرورش کودکان دارند که در این میان جایگاه قصه‌ها به‌مراتب برجسته‌تر از انواع دیگر است. «برای اینکه یک قصّه بتواند واقعاً توجّه کودک را جلب کند باید او را سرگرم سازد و کنجکاوی‌اش را برانگیزد؛ امّا برای غنی‌سازی زندگی کودک، قصّه باید علاوه بر سرگرم‌سازی و تحریک کنجکاوی، تخیّل او را برانگیزد و به او کمک کند تا فهم و ادراک خود را بالا ببرد و عواطف خویش را منظّم سازد؛ علاوه بر این، با نگرانی‌ها و آرزوهای کودک هماهنگ شود تا کودک بتواند به مسائل و مشکلات خود پی ببرد و در همان حال، راه‌حل‌هایی برای مسائلی که او را پریشان می‌سازد، به او عرضه دارد.

خلاصه آنکه قصّه باید در یک زمان با همهٔ جنبه‌های شخصیت کودک ارتباط حاصل کند، بی‌آنکه هرگز جدی بودن معمّاهای درونی او را از نظر دور دارد، بلکه برعکس آن‌ها را کاملاً باور کند و پا به پای آن اعتماد کودک را نسبت به خود و آینده‌اش بیفزاید» (بتلهایم، ۱۳۸۷: ۲۵).

از آنجا که هر یک از قصه‌ها به‌گونه‌ای در اصلاح رفتار و تغییر باورهای کودکان تأثیرگذارند، می‌توان با بررسی قصه‌ها و داستان‌های کودکانه براساس رویکردهای عمده روان‌درمانی، به چگونگی تأثیر آن‌ها بر روحیات کودکان مخاطب دست یافت. یکی از این رویکردهای شایان توجه، نظریه «انتخاب» ویلیام گلاسر است (Glasser, 1985; 1988). در حقیقت، رفتارهای انسان‌ها براثر نیازهای آنان شکل می‌گیرد و ناپایداری در داستان نیز به دنبال برانگیختگی نیاز شخصیت داستان به وجود می‌آید و شخصیت برای ارضای نیاز خود رفتاری را در پیش می‌گیرد و این‌گونه حوادث داستان شکل و جهت می‌گیرند و نهایتاً انتخاب‌های اوست که سرنوشت او را در دنیای داستان رقم می‌زند.

یکی از ظرفیت‌های ادبیات کودک، خصوصاً داستان‌های کودکان، تقویت توانمندی آنان در ارضای نیازهای اساسی‌شان است. گلاسر با بررسی نیازهای انسان، روان او را واکاوی می‌کند. او برای انسان پنج نیاز اساسی برمی‌شمارد که عبارتند از: نیاز به بقا؛ نیاز به عشق؛ نیاز به آزادی، نیاز به قدرت و نیاز به تفریح. «علاوه بر بقا و ادامه حیات که بستگی زیادی به فیزیولوژی دارند، انسان‌ها به لحاظ ژنتیکی به نحوی برنامه‌ریزی شده‌اند که چهار نیاز روان‌شناختی خود را ارضا کنند: عشق و تعلق خاطر، قدرت، آزادی و تفریح. رفتار ما همیشه بهترین انتخاب است که یک یا چند مورد از این نیازها را ارضا کند» (گلاسر، ۱۳۸۲: ۴۶). با توجه به نظریه انتخاب می‌توان گفت، از نظر گلاسر انسان موفق کسی است که در زمان برانگیختگی نیاز، رفتاری را انتخاب کند که هم نیازش را ارضا کندو هم به دیگران در ارضای نیازهای خود آسیبی نزند و این انسان موفق توانایی زیادی در ارضای سالم نیازهای اساسی خود دارد.

گلاسر لفظ بیماری روانی را نمی‌پذیرد و بعضی رفتارهای بیمارگونه را بخشی از ویژگی‌ها و رفتارهای یک انسان سالم می‌داند و در پی آن است تا «اصطلاح مسئولیت‌پذیری را جایگزین اصطلاح سلامت روانی و اصطلاح مسئولیت‌گریزی را جایگزین اصطلاح بیماری روانی و مشتقات زیادش کند» (گلاسر، ۱۳۸۲: ۴۷). از نظر گلاسر، انسان‌هایی که بیمار روانی خوانده می‌شوند «به‌رغم نوع رفتاری که پیش می‌گیرند، در تلاش ناموفقی که برای برآورده شدن نیازهایشان دارند، در یک ویژگی مشترک‌اند: همهٔ آنان واقعیت جهان واقعی خویش را انکار می‌کنند...» (همان، ص ۳۵).

داستان‌های زیادی برای کودکان نوشته و منتشر می‌شود و هرساله برخی از این داستان‌ها در جشنواره‌های نقد آثار، به‌عنوان کتاب برتر انتخاب می‌شوند؛ شایان‌ذکر است که آثار منتخب به‌صورت مجموعه‌هایی در دسترس است؛ اما آیا در گزینش داستان‌های برتر، میزان و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر روان مخاطبانشان، اهمیتی دارد؟

در پژوهش حاضر، پس از گزینش داستان‌های برگزیده از سال ۱۳۹۰–۱۳۰۰ و دارای بیشترین جوایز برجسته، بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر بررسی و تحلیل شدند. از آنجاکه بررسی همه‌جانبه نیازها به تحقیقات متعددی نیاز دارد؛ در این مقاله نیاز به آزادی که یکی از نیازهای اساسی در نظریه گلاسر بود، بررسی و تحلیل شد. در داستان‌های بررسی‌شده، می‌توان آزادی را به دو بخش آزادی مثبت و منفی تقسیم کرد. آزادی مثبت در این داستان‌ها، به شخصیت‌هایی مربوط می‌شود که نیاز آن‌ها به آزادی نیازی منطقی و معقول است و در سلامت روانی به سر می‌برند و در پی ارضای یک نیاز طبیعی و سالم، اغلب رفتار درست را انتخاب می‌کنند. شخصیت‌های دارای آزادی منفی شخصیت‌هایی هستند که برای رسیدن به اهداف خود، حقوق افراد را زیر پا می‌گذارند. در حقیقت، این گفتار در پی آن است تا به واکاوی شخصیت‌های داستانی داستان‌های برگزیده کودکان –که نیاز به آزادی، نیاز غالب آنها است– بپردازد و میزان همانندسازی و در نهایت تأثیرپذیری کودک را از شخصیت‌های داستانی تحلیل و بررسی کند. برای نیل به این هدف، ۱۴۵ داستان از آثار برگزیده و حائز بیشترین جوایز، در حوزه کودک و نوجوان از دهه‌های نخستین شکل‌گیری ادبیات کودک تا سال ۱۳۹۰ (از کتاب‌شناسی برگ‌های ماندگار) گزینش شد و شخصیت‌های اصلی و فرعی این داستان‌ها – با توجه به غلبه نیاز به آزادی – بررسی و تحلیل شدند.

تحقیق حاضر به روش تحلیل محتوای کیفی- قیاسی انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها به روش اسنادی انجام شد و برای انتخاب نمونه پژوهش از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید. جامعه آماری در این پژوهش، آثار داستانی منتشر شده در بازه زمانی ۱۳۰۰– ۱۳۹۰ و نمونه‌های آماری، آثاری هستند که بیشترین جوایز را به خود اختصاص داده‌اند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رویکرد توصیفی، تفسیری و تحلیلی استفاده شده است.

جدول شماره ۱ مشخصات و نمای کلی کتاب‌های برگزیده را نشان می‌دهید.

جدول شماره ۱. مشخصات و نمای کلی کتاب‌های برگزیده

	نام کتاب	شخصیت	مؤلفه‌ها	خلاصهٔ داستان
۱	به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند	اصلی؛ کبوتر	آزادی معقول	کبوتری است که سعی می‌کند اتوبوس را براند؛ اما اتوبوس به او نه می‌گوید.
۲	خاله لک‌لک	اصلی؛ دختربچه	خلاقیت	دختربچه مادر ندارد. او در دنیای کودکانه خودش مادری برای خود به دنیا می‌آورد و در نهایت به لک‌لک هم می‌آموزد که برای خود مادری خلق کند.
۳	تاپ تاپ تاپ	اصلی؛ آدم کوچولو	آزادی نابجا	آدم کوچولو به سفر می‌رود تا خود را بشناسد و زمانی که از سفر باز می‌گردد می‌فهمد قدر داشته‌هایش را ندانسته است.
٤	بال‌های آبی من	اصلی؛ دختربچه	خلاقیت	زن مدت‌هاست پی همسرش می‌گردد؛ اما در نهایت پیکر بیجان او را تحویل می‌گیرد. مادر آرزو می‌کند پرنده باشد و کودک تلاش می‌کند برای خود پر بسازد درنهایت در رویای خود بال درمی‌آورد؛ اما پرهایش را می‌شکند...
۵	سفرهای کرگدن	اصلی؛ کرگدن	زندگی آزادانه	کرگدن قصد دارد دور دنیا سفر کند. چند حیوان قصد ادامه سفر با او دارند؛ اما همه در نیمه‌های راه رهایش می‌کنند. بعد از روباه، سنجاقکی کوچولو با او دوست می‌شود؛ اما کرگدن به سنجاقک اعتماد نمی‌کند و تصور می‌کند، شاید او هم مانند دیگران رفیق نیمه‌راه است؛ اما سنجاقک بیشتر از دیگران او را همراهی می‌کند و دوست واقعی کرگدن می‌شود.
٦	زربال	فرعی؛ تیزپر	یا مرگ یا آزادی	دو شاهین خوشبخت با نام‌های زربال و تیزپر در کنار یکدیگر خوشبختانه زندگی می‌کنند تا زمانی که یک شکارچی تیزپر را از عشقش جدا می‌کند. بعد از تیزپر زندگی برای زربال بی‌معنی می‌شود. بعد از مدتی زربال، تیزپر را می‌بیند که در حال شکار پرندگان است؛ پس حالش را جویا می‌شود. تیزپر ماجرای اسارتش را شرح می‌دهد و آرزو می‌کند دوباره به زندگی قبلی بازگردد. سرانجام با دو بال چیده شده و ضعف جسمانی برای رهایی تلاش می‌کند و پیروز می‌شود.

۷	اسب سفید و دره سبز	اصلی و فرعی؛ اسب سفید	زندگی آزادانه	خرگوش و اسب سفیدی با هم آشنا و دوست می‌شوند و بازی می‌کنند تا جایی که صدای خنده و شادی‌شان به گوش گرگ‌ها می‌رسد. گرگ‌ها با شنیدن صداها به سمت آنها روانه می‌شوند. اسب سفید و خرگوش که در دام گرگ‌ها می‌افتند به‌دنبال راه چاره‌اند. خرگوش ناامید می‌شود؛ اما اسب سفید خردمندانه تلاش می‌کند و نجات می‌یابند.
۸	فروشگاه و من	دختربچه؛ اصلی	آزادی مثبت	دختربچه خرید را دوست ندارد؛ اما همیشه باید با مادرش به خرید برود. کودک در حالی که خسته شده است، از مادرش می‌خواهد جایی بایستد تا او از خرید برگردد.
۹	شهرزاد	اصلی شهرزاد	خلاقیت	پادشاه از همه چیز نفرت دارد. یک روز شهرزاد را می‌بیند و او را طلسم می‌کند؛ اما لب‌های قصه‌گوی شهرزاد طلسم‌شدنی نیستند. شهرزاد هر شب برای پادشاه قصه‌ای می‌گوید. پادشاه به قصه‌های او وابسته می‌شود؛ پس طلسم او را می‌گشاید و با او ازدواج می‌کند.
۱۰	موش مترو	اصلی و فرعی؛ نیب و لولا	یا مرگ یا آزادی	نیب با موش‌های دیگر در مترو زندگی ناخوشایندی دارند. در این داستان موش که نیب نام دارد تصمیم می‌گیرد به آخر تونل مهاجرت کند. او با موش دیگری به نام لولا همراه می‌شود و با هم به سختی به آخر تونل می‌رسند و زندگی زیبا اما پرخطر را آنجا تجربه می‌کنند.
۱۱	لولوی قشنگ من	اصلی؛ لولو	یا مرگ یا آزادی	بزی لولو را دوست دارد و می‌خواهد به او کمک کند. لولو آرزو دارد زیبایی‌های دنیا را ببیند و دلش نمی‌خواهد دربند و گرفتار باشد. بزی به او کمک می‌کند که آزاد شود.
۱۳	زرافه من آبی است	اصلی؛ دختربچه و زرافه	خلاقیت و رهایی	دختربچه زرافه را رنگ می‌کند. دوستانش به رنگ آبی زرافه می‌خندند و دختربچه ناچار می‌شود رنگ زرافه را زرد کند؛ در حالی که خودش دوست دارد زرافه‌اش آبی باشد. در خانه زرافه را از دفتر جدا می‌کند و به بادبادکش می‌چسباند و در آسمان رها می‌کند و همه صدای آبی آبی را از آسمان می‌شنوند.
۱۳	پاپر	اصلی؛ پاپر	یا مرگ یا آزادی	پاپر تلاش می‌کند که صاحبش او را دوست داشته باشد تا زمانی که با کبوتر حرم آشنا می‌شود و با توصیفاتی که کبوتر حرم از کبوتران حرم و زندگی آنان می‌کند و پس از دیدن حرم تصمیم می‌گیرد کبوتر حرم باشد و روش زندگی‌اش را خودش انتخاب کند.

۱۵	اردک کشاورز	اصلی و فرعی: اردک و حیوانات مزرعه	عدم تلاش برای آزادی	اردکی در مزرعه کشاورز تنبلی کار می‌کند. کشاورز همه کارهایش را به اردک می‌سپارد. حیوانات جنگل کشاورز را از مزرعه فراری می‌دهند و اردک نجات پیدا می‌کند. اردک برای اینکه زنده بماند، به هر کار تن می‌دهد و همه دستورات کشاورز بدجنس را اطاعت می‌کند.
۱٦	اتوبوس عوضی	فرعی: خطاکاران	آزادی در عمل	پسر قرار است جانشین پیرمردی باشد که کار او رساندن مسافران بهشت و جهنم به مقصدشان است. گویی تصادفی اتفاق افتاده است. همهٔ مسافران درنتیجهٔ یک انتخاب اشتباه زندگی خود را از دست داده‌اند، اما هیچ‌کدام مقصر اصلی نبوده‌اند. مسافران اتوبوس تصور می‌کنند مقصدشان جهنم است؛ اما در پایان، همه به بهشت می‌روند.
۱۷	قدم یازدهم	اصلی و فرعی: بچه‌شیر و کودکان	عدم تلاش برای آزادی	بچه شیر در قفسی در یک باغ‌وحش زندگی می‌کرد. او وقتی راه می‌رفت قدم‌هایش را می‌شمرد. وقتی تعداد قدم‌هایش به ده می‌رسید سرش محکم به میله‌های قفس می‌خورد. بعد از مدتی یادگرفت که از ده قدم جلوتر نرود. یک روز که نگهبان باغ‌وحش برای دادن آب و غذای شیر آمده بود یادش رفت در قفس را ببندد. شیر کوچولو ده قدم شمرد تا به باغچه‌ای رسید. از ترس همان‌جا ماند.
۱۷	ابراهیم	اصلی: ابراهیم	آزادی عقیده و ایمان	حضرت ابراهیم در این داستان به خواست خداوند از مجازات‌های نمرود در امان می‌ماند و خداوند او را درهمه‌حال همراهی می‌کند. او همچنان پیامبر باقی می‌ماند و خداپرستی را ترویج می‌کند.
۱۸	آی ابراهیم	اصلی: ابراهیم	آزادی عقیده و ایمان	ابراهیم آرزوی شهادت داشت؛ اما به دلیل شرایطش نمی‌توانست به جبهه برود. او همه تلاشش را کرد تا نقشی در این میان داشته باشد.
۱۹	ایوب	اصلی: ایوب	آزادی عقیده و ایمان	ایوب پیامبر در ابتدا در ثروت و نعمت بود و بعد فقیر شد و بر فقر صبور بود و پاداش صبرش ثروت دوباره‌ای بود که خداوند به او ارزانی داشت.
۲۰	مهمان ماه	اصلی: تخم‌مرغ	آزادی در انتخاب مسیر	پرنده تخم خود را در گودی هلال ماه می‌گذارد. برخی از حیوانات برای آن نقشه می‌کشند؛ اما آهو برای تخم آرزوی خوب می‌کند و امیدوار است که ماه میزبان خوبی برای او باشد. در پایان داستان تخم سفید ترک خورد و یک پرنده کوچک از آن بیرون آمد و به سمت نامعلومی پرواز کرد.

۲۱	بادکنکی که شاد بود	اصلی؛ بادکنک	آزادی لجام‌گسیخته	بادکنک بازیگوش از صبح تا شب باد می‌خورد و چاق می‌شود. آنقدر که می‌ترکد. شکمش را می‌دوزند؛ اما دیگر چاق نمی‌شود چون باد از درز چکمش خارج می‌شود.
۲۲	اسب و سیب و بهار	اصلی؛ اسب و سیب	آزادی و رهایی	اسبی از گله جا می‌ماند و تنها می‌شود. سیبی را می‌بیند و آن سیب همدمش می‌شود تا جایی که یک لحظه طاقت دوری از او را ندارد. سیب هم طاقت دوری از اسب را ندارد. آنها آزاد و رها زندگی می‌کنند.
۲۳	ماهی سیاه کوچولو	اصلی؛ ماهی سیاه کوچولو	آزادی عقیده و ایمان	ماهی کوچکی با مادرش در جویباری زندگی می‌کند. در یک شب چله، ماهی پیری برای او و دوستانش قصه آخر جویبار را می‌گوید. ماهی یک روز تصمیم می‌گیرد خانه‌اش را ترک کرده، به آخر جویبار سفر کند. او علی‌رغم مخالفت‌های مادر و دوستانش و برخی همسایگان قانع نمی‌شود و سفر را آغاز می‌کند. در راه، ماجراهایی بر او می‌گذرد و در نهایت، ماهی سیاه کوچولو با تلاش بسیار به دریا می‌رسد. در پایان داستان نیز در راه نجات جان ماهی‌های دیگر جانش را تسلیم می‌کند.
۲۴	اگر من خلبان بودم	اصلی و فرعی؛ کودن	آزادی در عمل؛ در آرزوی آزادی	چند پسربچه با معلم به کوه آمده‌اند. ناگهان چند هواپیما را در کنار هم می‌بینند. وقتی رقص هواپیماها را مشاهده می‌کنند آرزو می‌کنند که خلبان باشند؛ اما هواپیماها به معلم و شهرشان آسیب می‌رسانند.
۲۵	آرش کمانگیر	اصلی؛ آرش	یا مرگ یا آزادی	در جنگ میان ایرانیان و تورانیان، ایرانیان شکست می‌خورند. تورانیان شرطی برای تحقیرکردن ایرانیان تعیین می‌کنند که از این قرار است: تیراندازی از ایران تیری رها کند و تیر هر جا که رسید، مرز میان ایران و توران باشد. آرش داوطلبانه به میدان مبارزه می‌آید و تیرش را رها می‌کند. او جانش را در تیر می‌گذارد و تیر در دوردست‌ها زمین‌گیر می‌شود.
۲۶	سفر گلبرگ	اصلی؛ گلبرگ	آزادی لجام‌گسیخته	گلبرگ که برای رسیدن به آزادی به زور خودش را از کاسه گل و دوستانش و جایی به آن تعلق دارد جدا می‌کند. دوستانش او را سرزنش می‌کنند؛ اما توجهی نمی‌کند. ماجراهایی بر او می‌گذرد و از کار خود پشیمان می‌شود.

۲۷	تا مدرسه راهی نیست	فرعی؛ کبوترها	زندگی آزادانه	دختری به نام آزاده آرزو دارد به مدرسه برود.
۲۸	ایستاده بر خاک	اصلی؛ تیر	زندگی آزادانه	آدم‌ها خیلی از صداها را نمی‌شنوند و بسیاری از وقایعی را که بر جای جای این خاک خیمه زده است؛ نمی‌بینند. اما ناگهان از این میان، تیری به سخن درمی‌آید و زندگی خود را از آن زمان که در تنه درختی بزرگ زندگی می‌کرده تا زمانی که بر دشت تشنه نینوا فرو افتاده است بازگو می‌کند.
۲۹	پسری که بلد بود بشمارد	اصلی؛ پسر	خلاقیت؛ آزادی در عمل	پسر برای آموختن تلاش می‌کند و هر روز دنیای او بزرگ‌تر می‌شود و بهای سنگینی را بابت این دانستن می‌پردازد.
۳۰	صدای پای بزغاله‌های سبز	اصلی؛ بیتا	تفریح و آزادی در عمل	بیتا بیمار است. آنها تازه به خانه جدیدشان آمده‌اند. بیتا در حال استراحت است؛ اما شلوغی همسایه پدر و مادرش را ناراحت می‌کند. بیتا با شنیدن صدای بچه‌ها در خیال خود بزغاله‌هایی را در حال پایکوبی می‌بیند. پدر تصمیم می‌گیرد به همسایه تذکر بدهد. بیتا همراه او می‌رود. پدر در خانه همسایه را می‌زند. پسر کوچولوهای شلوغ در را باز می‌کنند؛ اما بیتا جلوی چشمان پدر به جمع کودکان می‌پیوندد و با آنها شلوغی را از سر می‌گیرد... .

پیشینه پژوهش

آثار بسیاری به نقد داستان و خصوصاً شخصیت‌پردازی در داستان اختصاص یافته است. در بعضی از این آثار، تحلیل شخصیت‌های داستانی، بدون استناد به نظریه‌ای علمی، صورت گرفته است؛ برای مثال، عبداللهیان (۱۳۸۱)، در کتاب «شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر» به تبیین ویژگی‌های جسمی و روانی شخصیت‌های داستان‌های معاصر پرداخته است.

منتقدانی نیز به شخصیت‌های داستانی براساس نظریه‌های علمی در ادبیات، توجه داشته‌اند که به‌وفور در قالب پایان‌نامه، رساله و مقاله‌های پژوهشی در سایت‌های اطلاعاتی یافته می‌شود.

در این میان، آثاری نیز با هدف مطالعهٔ شخصیت از منظر روان‌شناختی به‌وجود آمده است و تا آنجا که در میان کتب و تألیفات صورت گرفته دیده شده است، نظریه‌های روان‌کاوی توجه منتقدین را بیشتر به خود جلب کرده و رویکردهای دیگر روان‌شناسی چون رفتارگرایی و انسان‌گرایی به مراتب کم‌اهمیت‌تر تلقی شده‌اند.

در حقیقت، در خصوص نقد روان‌شناسانه آثار ادبی، پژوهش‌های شایان‌توجهی انجام شده است که در این مختصر به همه آنها پرداخته نمی‌شود و تنها چند اثر که به نقد آثار ادبی کودکان، خصوصاً قصه و داستان، به‌عنوان یک نوع ادبی، می‌پردازد و بررسی جنبه‌های تربیتی این آثار، براساس نظریه‌های روان‌شناسی معرفی می‌گردد.

مقالات بسیاری در پایگاه‌های اطلاعاتی دیده شده است که در آن‌ها به بررسی جایگاه قصه در درمان بیماران پرداخته‌اند. یوسفی‌لویه و متین (۱۳۸۵) در «تأثیر قصه درمانی بر راهبردهای رویارویی کودکان با مشکلات یادگیری» به این نتیجه می‌رسد که مقایسه انواع رویه‌های قصه درمانی در حیطه‌های متفاوت روان‌درمانی کودکان می‌تواند موضوعی چالش‌انگیز برای پژوهشگران باشد. شیبانی، یوسفی‌لویه و دلاور (۱۳۸۶) در «تأثیر قصه درمانی بر کاهش علائم افسردگی در کودکان افسرده» به تأثیر قصه درمانی بر کاهش این نشانه‌ها اشاره کرده است. در نهایت یافته‌های این پژوهش حاکی از این حقیقت است که قصه درمانی بر درمان اختلال‌های همبود شامل اختلال‌های اضطرابی و لجبازی و نافرمانی مؤثر بوده است.

پریرخ (۱۳۸۸) در «داستان، همچون ابزاری برای کمک به کودکان و نوجوانان در مقابله با مشکلات، بررسی داستان‌های کودکان با رویکرد کتاب درمانی» جنبه درمانی و اثربخشی برخی از داستان‌های منتشرشده کودکانه را بررسی کرده است و در اختیار مخاطبان قرار داده‌است.

نیک‌منش و کاظمی (۱۳۸۹) در پژوهشی تأثیر الگوی آموزش خوش‌بینی را به روش قصه‌گویی بر کاهش افسردگی کودکان مورد بررسی قراردادند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که الگوی آموزش خوش‌بینی به روش قصه‌گویی، باعث کاهش میزان افسردگی در کودکان می‌شود. نهایتاً می‌توان گفت قصه درمانی علائم افسردگی، اضطراب و هراس را در کودکان افسرده کاهش می‌دهد.

فرخانی (۱۳۹۰) در «اثربخشی قصه درمانی در کاهش اختلال رفتاری دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی» به بررسی قصه و داستان در کاهش اختلال رفتاری دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی پرداخته است و نتیجه این مقاله حاکی از این حقیقت است که قصه درمانی در کاهش این اختلالات تأثیرات قابل توجهی داشته است.

لویمی و صفرزاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اثربخشی قصه درمانی بر کمرویی، افسردگی و عزت نفس کودکان پیش‌دبستانی شهرستان اهواز» به این نتیجه رسیده است که قصه درمانی بر کاهش کمرویی و افسردگی کودکان تأثیر مثبت دارد، همچنین بر افزایش عزت نفس و خرده مقیاس‌های آنکه شامل؛ خود کلی، خود اجتماعی، خود به‌عنوان عضوی در خانواده و خود تحصیلی کودکان تأثیر مثبت دارد.

آجورلو، برقی‌ایرانی و علی‌اکبری‌دهکردی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر قصه درمانی بر کاهش اضطراب و بهبود عادات خواب کودکان مبتلا به سرطان تحت شیمی‌درمانی» به این نتیجه رسیده است که می‌توان قصه درمانی را به‌مثابه یک فن اثربخش همراه با سایر درمان‌های روانشناختی برای درمان اضطراب و عادات خواب نامناسب کودکان به‌خصوص کودکان بیمار بکار برد.

فاضلی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی قصه درمانی بر پرخاشگری و اضطراب دانش‌آموزان دختر دبستانی» به این نتیجه رسید که قصه درمانی می‌تواند پرخاشگری و اضطراب دانش‌آموزان دبستانی دختر را تعدیل نماید.

کهنسال (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روان‌شناختی شخصیت بهرام در هفت پیکر نظامی با تکیه بر فرایند قصه درمانی» به این نتیجه رسیده است که تک‌تک راویان درون متن، با قصه‌گویی، بهرام را در مسیر پشت سر گذاشتن دردها، رسیدن به آرزوها و حتی پیشگیری از خطاهای رفتاری، یاری می‌رسانند. قصه‌گویی در تنه روایت اصلی، نه برای پیشبرد حادثه و نه در جهت شخصیت‌پردازی است؛ بلکه قصه‌ها به‌طور مستقیم، با لایه‌های درونی و بیرونی شخصیت بهرام در ارتباطند.

در تمامی این پژوهش‌ها و پژوهش‌های دیگری که در این مختصر مجالی برای ذکر همه آنان نیست، اثربخشی قصه درمانی بر کودکان به انحای مختلف اثبات شده است؛ اما پژوهشی که به بررسی قصه‌ها و نقد آنها از این منظر پرداخته باشد، خصوصاً پژوهشی که قصه‌ها را براساس چگونگی تأثیرگذاری بر کودکان مخاطب، براساس یکی از نظریه‌های روان‌درمانی نقد و تحلیل کرده باشد، به ندرت دیده می‌شود.

از آنجا که نیازهای انسان، رفتارهای آنان را شکل و جهت می‌دهد و اینکه عدم ارضای یکی از نیازهای اساسی در داستان ناپایداری را به‌وجود می‌آورد، می‌توان به بررسی قصه‌ها براساس میزان و چگونگی تقویت توانمندی کودکان در ارضای نیازهای‌شان پرداخت. گرچه پریرخ (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ادبیات کودکان و نوجوانان در پاسخگویی به نیازها»، نیازهای گوناگون کودکان و نوجوانان

را از دیدگاه «مازلو» روانشناس انسانگرا، و نیازهای مورد توجه از دیدگاه مؤلف را بررسی کرده و برای هریک از نیازها، انواع کتاب‌هایی را که در پاسخگویی به آن نیازها مؤثرند نام برده است پژوهش قابل توجه دیگری در این زمینه وجود ندارد.

پیرو جستجوهای انجام‌شده هیچ پژوهشی در خصوص بررسی جنبه‌های تربیتی داستان‌های برگزیده کودکان براساس نظریه‌های عمده روان‌درمانی خصوصاً نظریه گلاسر یافته نشد؛ در صورتی که به دلیل مطرح شدن نیازها و تئوری انتخاب در نظریه گلاسر، این نظریه برای بررسی جنبه‌های درمانی کتاب‌های داستان کودک و نوجوان قابل توجه است.

۱. بحث و بررسی

چیستی شخصیت و چگونگی شخصیت‌پردازی نویسنده در داستان‌های مربوط به کودکان، به دلیل همانندسازی و تأثیرپذیری مخاطب با قهرمان داستان، هم برای نویسنده و هم منتقدان آثار کودک و نوجوان، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ «درواقع شخصیت اصلی داستان، شخصیت عمده‌ای است که قسمت اعظم داستان درباره اوست و خواننده در افکار، اعمال او خود را همراه/ همذات حس می‌کند، وقایع را از دید او مشاهده و تجربه می‌کند، او را درک می‌کند، به سرنوشت او علاقه‌مند می‌شود و تا آخر داستان با او همراه می‌شود» (Egri,1960).

از آنجاکه شخصیت‌های داستانی همان شخصیت‌های واقعی هستند که در دنیای داستان بازنمایی می‌شوند و اینکه نیازهای شخصیت‌ها در داستان، نقاط عطف داستانی را رقم می‌زنند، می‌توان با استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی و با بررسی نیازهای غالب آنان به تحلیل شخصیت‌ها پرداخت. در حقیقت ادبیات و روان‌شناسی، «هر دو با شخصیت‌ها سروکار دارند، هر دو روابط انسانی را بررسی می‌کنند، همچنین هر دو در تلاشند تا لایه‌های تاریک ذهن را کشف کنند. این نقاط مشترک باعث شده، شیوه‌های تازه تحلیل متن در دنیای امروز، ذهن محققان را به خود مشغول کند. کشف دنیاهای ساکت و پنهان پشت متن و نظام‌مند کردن شیوه‌های مختلف بیان و تفکر، از جمله این دل‌مشغولی‌هاست. متون فارسی را باید از دیدگاه‌های تازه جست و تحولی در ادبیات به‌وجود آورد» (یاوری، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

۲. نیاز به آزادی

برای واژه «آزادی» تعاریف متعددی به دســـت داده‌اند؛ اما همه صـــاحب‌نظران در یک قول متفق هســـتند که آزادی زمانی مطلوب اســـت که آزادی یک فرد، آزادی افراد دیگر را مختل نســـازد و به جامعه آسیبی وارد نسازد.

برلین (۱۳۸۰) در یکی از مقالات کتاب «چهارمقاله درباره آزادی» با عنوان «مفاهیم دوگانه آزادی»، در ابتدا تعریفی از آزادی به دست داده است و سپس آن‌را به دو نوع آزادی مثبت و آزادی منفی تقسیم کرده است:

«اجبار یک انسان یعنی محروم ساختن او از آزادی. در تاریخ بشر تقریباً همه اخلاقیون آزادی را ستوده‌اند. معنی آزادی نیز مانند معانی کلمات خوشبختی، خوبی، طبیعت و حقیقت به قدری کشـدار است که با هرگونه تفسیری جور درمی‌آید. از میان تعاریف متعدد تنها دو معنی جامع‌تر را- که تاریخچه مفصـلی پشـت سـر دارد- در اینجا می‌آورم. نخسـتین تعریف، مفهوم منفی آن است که در پاسخ به این سؤال مطرح می‌شود: چیست و کجاست آن قلمروی که در محدوده آن، شـخص یا گروهی از اشـخاص عملاً آزادی دارند (یا باید آزادی داشـته باشـند) تا بدون دخالت دیگران آنچه را بخواهند عمل کنند و آنچنان که می‌خواهند باشـــند؟ اما مفهوم دوم آزادی که من آن‌را مفهوم مثبت می‌نامم در پاسخ این سؤال مطرح می‌شود: منشأ کنترل و یا نظارت که می‌تواند کســـی را وادار ســـازد که به فلان طرز خاص عمل کند یا فلان طور معین باشد، چیست و کیست؟» (برلین، ۱۳۸۰: ۲۳۶-۲۳۷).

نه‌تنها جامعه‌شناسان که روان‌شناسان نیز درباره آزادی و تأثیر آن بر انسان و جامعه سخن گفته‌اند و هریک در جای خود تعاریفی برای این مفهوم جهان‌شـمول به دسـت داده‌اند. فروم یکی از روان‌شـناسـانی است که اثر مستقلی در باب آزادی از خود به‌جای گذشته است و به ارتباط تنگاتنگ آزادی انسان و جامعه تأکید دارد. او معتقد است که «بعضی نیازها چون گرسنگی و تشنگی و غریزه جنسی در میان همه مشترک اســـت؛ ولی آن انگیزش‌هایی که خوی هرکس را از دیگران متمایز می‌کند؛ چون عشـــق، نفرت، آزادی و آرزوی تسلیم، همه محصور سیر با فرایند اجتماعی می‌باشد. همان‌طور که بشر ساخته تاریخ است، تاریخ نیز ساخته بشر است» (فروم، ۱۳۵۳: ۲۳-۲۴).

یکی از روان‌شناسانی که آزادی را به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان مطرح کرده و به‌تفصیل در نظریه خود به آن پرداخته است، ویلیام گلاسر است. به باور گلاسر آزادی یکی از نیازهای اساسی انسان

است که از کودکی در او نهادینه شده، با او همراه است. وی معتقد است انسان نیازهایی دارد و انسان موفق کسی است که توانمندی شایسته‌ای در ارضای نیازهای اساسی خود به دست آورده باشد. آزادی نیز از این مقوله مستثنی نیست و البته تعریف او از آزادی با تعاریف دیگران و هم‌چنین آزادی در اسلام منافاتی ندارد. گلاسر می‌گوید: «هرچه آزادتر باشیم و بتوانیم نیازهای خود را طوری ارضا کنیم که دیگران از ارضای نیازهای ما متضرر نشوند، بیشتر می‌توانیم از خلاقیت خود به نفع خودمان و دیگران استفاده کنیم» (گلاسر، ۶۲:۱۳۸۲).

در حقیقت، فشرده کلام گلاسر ناظر بر این است که اگر بخواهیم دنیای ایده‌آلی داشته باشیم باید رفتار سازگارانه‌ای در پیش بگیریم؛ چنانکه برای ارضای نیازهای خود راهی را انتخاب کنیم که هم خودمان را به مقصد برساند و هم مانعی بر سر راه اطرافیان‌مان نباشد؛ «همان‌طور که قدرت دیگران مایه نگرانی ما می‌شود، خصوصاً وقتی از آن علیه خواست ما استفاده کنند، تهدید شدن و به خطر افتادن آزادی هم ما را نگران می‌کند. به اعتقاد من، نیاز به آزادی یک نیاز تکاملی است که هدفش ایجاد توازن بین دو چیز است: نیاز به مجبور کردن دیگری برای آنکه طبق میل ما زندگی کند و دیگری، نیاز به رها شدن از این اجبار. این قانون طلایی که می‌گوید با دیگران همان‌طور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، تعادل و توازن موردنظر من را نشان می‌دهد. کنترل بیرونی که فرزند قدرت است، دشمن آزادی است» (همان، ۶۱).

گلاسر بر این باور است که هرکس در روابطش با دیگران، نظریه «انتخاب» را در پیش گیرد، دچار افسردگی نمی‌شود. او هفت عادت مخرب را که به تخریب روابط می‌پردازند، برمی‌شمارد: «انتقاد کردن؛ ۲. سرزنش کردن؛ ۳. شکوه کردن؛ ۴. نق‌نق کردن؛ ۵. اذیت کردن؛ ۶. تنبیه کردن؛ ۷. پاداش تعیین کردن.» (گلاسر، ۱۳۸۷: ۱۹). در حقیقت، انجام دادن هریک از این اعمال در روابط با دیگران، به معنی ایجاد مانع در مسیر آزادی آنها، و البته بسیار مخرب است.

پیش از تحلیل شخصیت‌های داستانی، برخی مشخصات و خلاصه داستان‌ها در جدول شماره ۱ نمایش داده می‌شود. از میان ۱۴۵ داستان بررسی‌شده، غلبه نیاز به آزادی در شخصیت‌های ۳۰ داستان، مشاهده شد. اینک به تحلیل شخصیت‌ها براساس غلبه نیاز به آزادی در داستان‌های مزبور پرداخته می‌شود. در داستان‌های بررسی‌شده، براساس نظریه گلاسر، می‌توان آزادی را به دو بخش آزادی مثبت و منفی تقسیم کرد. آزادی مثبت در این داستان‌ها، به شخصیت‌هایی مربوط می‌شود که نیاز آنها به آزادی، نیازی

منطقی و معقول است و شخصیت‌های دارای آزادی منفی، شخصیت‌هایی هستند که ممکن است به دیگران و جهان هستی آسیب برساند و خود نیز از این آسیب مصون نمانند.

۱-۲. آزادی مثبت

شخصیت‌های دارای آزادی مثبت، شخصیت‌هایی هستند که در سلامت روانی به سر می‌برند و در پی ارضای یک نیاز طبیعی و سالم، اغلب رفتار درست را انتخاب می‌کنند. مؤلفه‌هایی که می‌توان پس از بررسی شخصیت‌ها استخراج کرد، عبارتند از: مبارزه در راه آزادی، آزادی در عمل، آزادی در اندیشه و عشق به آزادی. اینک به بررسی شخصیت‌ها براساس مؤلفه‌های یادشده پرداخته می‌شود.

۱-۱-۲. آزادی در عمل

برخی از این شخصیت‌ها قهرمانانی هستند که در قلب مخاطبانشان رخنه می‌کنند و برای همیشه ماندگار می‌شوند. آنان شخصیت‌هایی هستند که در راه عقیده و ایمان خود، از بذل جان، پروایی ندارند. شخصیت ماهی سیاه کوچولو، کرگدن، تیزپر، نیب، آرش، پاپر، لولو، شخصیت‌های اصلی داستان‌های مذهبی، و کبوترها در داستان «تا مدرسه راهی نیست»، چنین رویکردی دارند. این شخصیت‌ها برای رسیدن به آزادی، راه سفر، مبارزه و تلاش را پی می‌گیرند و از آرمان خود دست برنمی‌دارند. در حقیقت، این‌ها در مرکز وقایع داستان قرار دارند و نیروی اصلی گسترش‌دهنده داستان هستند. کودک می‌تواند با این شخصیت‌ها همانندسازی کند و در تجربه‌هایشان سهیم شود و تا پایان عمر، قهرمان زندگی آنان باشد. «علی‌رغم شکست‌های بسیار، آزادی در مبارزاتی چند محقق شده است. در این مبارزات، بسیاری جان بر سر این اعتقاد گذاشتند که مرگ در تلاش علیه ظلم، برتر از زندگی بدون آزادی است. چنین مرگی بالاترین اثبات فردیت آنان بوده است. گویی تاریخ در کار مدلل ساختن آن بود که انسان می‌تواند بر خود حکومت کند، برای خویش تصمیم بگیرد و آن‌گونه که مصلحت می‌بیند بیندیشد و احساس کند» (فروم، ۱۳۵۳: ۱۶-۱۵).

«ماهی سیاه کوچولو» شخصیت داستانی معروفی است که نه‌تنها کودکان؛ بلکه بزرگ‌سالان را شیفته خود کرده است. این شخصیت نماد انسان‌هایی است که علی‌رغم نظریات دیگران، به راه خود می‌روند و در هر حالت می‌خواهند خودش باشند. تسلیم مخالفت‌ها و هجمه‌های دشمنان نمی‌شوند. راهی را که قهرمان داستان انتخاب می‌کند، مرگ برای آزادی است و در پایان داستان، لذت آزادی و درک

حقیقت را می‌چشد و سپس جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند. این داستان به کودکان شجاعت، تلاش، اندیشیدن و نهراسیدن از متفاوت بودن را می‌آموزد.

«نیب»، شخصیت اصلی داستان «موش مترو» نیز برای به دست آوردن زندگی بهتر، جانش را به خطر می‌اندازد. یکی از آرمان‌های نیب زندگی آزاد است. «لولا» در این مسیر رفیق او می‌شود و با هم به آخر تونل سفر می‌کنند. «آخر تونل دنیایی خطرناک، بدون سقف و پر از هیولاهای موش‌خوار، اما زیبا و با آب و هوایی عالی. آنجا یک موش شجاع می‌تواند خوش‌مزه‌ترین غذاها، و گرم و نرم‌ترین لانه‌ها را داشته باشد.» (موش مترو؛ ص ۸).

«آرش کمانگیر»، شخصیت اساطیری ادبیات فارسی که با زبانی کودکانه بازنویسی شده، نیز مصداق منحصربه‌فرد دیگری از مؤلفه «مرگ برای آزادی است». تورانیان که دشمنان دیرین ایرانیان هستند، با نیاز غالب «قدرت‌خواهی»، بار دیگر دسیسه دیگری را اندیشیده‌اند. قدرت‌طلبی ایشان، مانع از زندگی دلخواه ایرانیان شده است. از دیدگاه گلاسر حاصل این قدرت‌طلبی، تلاش برای کنترل و در نهایت از بین رفتن سازگاری با دیگران است. آرش برای رهایی از این زندگی تنها یک راه دارد. او مرگ را به این زندگی مرجح می‌داند؛ زیرا با مرگش زندگی هم‌وطنانش را نجات می‌دهد؛ اگر این راه را انتخاب کند، وطنش پیروز می‌شود و اگر به راه دیگری بیندیشد، شاید زندگی همراه با حقارت را برگزیده باشد: «چنین آغاز کرد آن مرد با دشمن/ منم آرش، سپاهی مردی آزاده/ برای آزمون سخت دشمن/ اینک آماده!/ در این پیکار/ در این کار/ دل خلقی ست در مشتم،/ امید مردمی خاموش، هم پشتم./ منم آرش!/ کمانداری کمانگیرم؛/ مرا تیر است آتش پر/ مرا باد است، فرمانبر.» (آرش کمانگیر). آرش اذعان می‌کند که تمایل به بقا دارد؛ اما آزادی و آزادگی برای او در جایگاه بالاتری قرار دارد. «به صبح راستین سوگند/ که آرش جان خود در تیر خواهد کرد/ دلم از مرگ بیزار است/ ولی آندم که صبح زندگی تار است/ و بین نیک و بد هنگام پیکار است/ فرو رفتن به کام مرگ شیرین است/ همان شایسته آزادگی این است/ و اکنون پیش می‌آیم/ ... آری، آری، جان خود در تیر کرد آرش/ کار صدها، صد هزاران تیغه شمشیر کرد آرش» (همان).

پاپر نیز تا وقتی که با کبوتر حرم آشنا نشده بود، زندگی معمولی داشت. او برای جلب توجه صاحبش هر کاری انجام می‌داد؛ اما زمانی که با کبوتر حرم آشنا شد، تحولی در زندگی و عقایدش رخ داد.

کبوتر حرم از زندگی‌اش راضـی بود. او می‌گوید: «ما دور حرم می‌گردیم و همه مردم صـاحب ما هستند؛ در عین‌حال آزادیم. ما، مال همه هستیم و مال هیچ‌کس نیستیم. ما هم برای خودمان پرواز می‌کنیم و همه برای مردم. دور گنبد و گلدسته‌ها که می‌گردیم، انگار دور خودمان می‌گردیم. در حیاط آن امامزاده، گاهی آدم‌ها می‌آیند و برای ما دانه می‌ریزند. البته، دانه، گاهی هست و گاهی نیست. ما هم با بود و نبودها می‌سازیم، اما برای خودمان پرواز می‌کنیم. گاهی هم بعضی از ما طعمه شاهین و باز می‌شوند، اما با این حال، خوشحالیم که آزادیم... تو برای او پرواز می‌کنی. تا وقتی‌که پرواز کنی به تو محبت می‌کند، اما مریض و ضعیف که شدی، می‌اندازدت جلوی گربه» (پاپر، ص ۱۶ و ۱۷). پاپر در پایان داستان، در میان دو گزینه رفتن به حرم و ماندن نزد صاحبش، یکی را انتخاب می‌کند که همان آزادی است: «صاحبش هنوز داشت دانه می‌پاشید و از او می‌خواست که برگردد. پاپر دودل بود. اولین بار توی عمرش بود که نمی‌توانست تصمیم بگیرد» (همان، ص ۲۴).

در داستان «لولوی قشنگ من»، لولو که عمری را در اسارت به سر برده است، تصمیم می‌گیرد، این بار برای به دست آوردن آزادی، خود را به خطر بیندازد.

مصداق شایان‌توجهی از این شخصیت‌ها، شخصیت «تیزپر» در داستان زربال است. او که در دام صیاد گرفتار شده بود، پس از مدتی معشوقش را می‌بیند و از او طلب یاری می‌کند. تیزپر برای به دست آوردن آزادی خود، حاضر می‌شود از جان خود بگذرد: «زربال با اندوه سری تکان داد و گفت: چه می‌گویی تیزپر، با این پرهای چیده شده؟ تیزپر گفت: غمی نیست! به زودی پرهایم دوباره بلند می‌شوند. زربال پاسخ داد: بال‌هایت توان دورپروازی ندارند. به تفنگش نگاه کن! اما تیزپر به آسمان نگاه کرد و گفت: هرچه باشد می‌خواهم دوباره خودم باشم. می‌خواهم به هر جا دوست دارم پرواز کنم. وقتی به اختیار دیگری باشم، پیش از آنکه بمیرم، مرده‌ام. اگر افق زیر بال‌های مرا نگیرد، آسمان به چه درد پرواز می‌خورد...» و در نهایت تیزپر پیروز و آزاد شد.

در داستان «سفرهای کرگدن» نیز کرگدن زندگی آرامش را رها می‌کند و تنها به علایقش می‌پردازد. در این داستان او سفری را آغاز می‌کند. در میان دوستانی که در راه می‌یابد، تنها یکی از آنها دوست واقعی است؛ اما کرگدن آزادی‌اش را به دوستی نافرجام ترجیح می‌دهد.

در داستان‌های مذهبی نیز، شخصیت‌های داستان، اعتقادشان را با امتیازات دنیایی معاوضه نمی‌کنند. اعتقاد به خدا چنان در روح و جانشان نفوذ کرده است که دسیسه‌های غیر بر آنها کارگر نیست. براساس الگوی داستان‌های مذهبی، شخصیت‌های اصلی این داستان، بر عقیده خود پافشاری می‌کنند و در پایان

داستان نیز خداوند به آنها زندگی خوبی عطا می‌کند و از شر دشمنان مصون‌شان می‌دارد. «حضرت ایوب» و خانواده‌اش در داستان «ایوب» بر بلای آسمانی صبور بودند و به جای انتخاب افسردگی سپاسگزاری از خداوند را انتخاب کردند و در نتیجه براساس منطق داستان‌های مذهبی به پاداش رسیدند و خوشبختی را به دست آوردند.

«حضرت ابراهیم» در داستان «ابراهیم» مضمونی این‌چنینی را دنبال می‌کند. ابراهیم در این داستان بر عقیده‌اش می‌ماند و در پایان داستان، پیروز می‌شود. در این داستان و داستان‌های مشابه، کودک مفهوم توکل به ذات باری‌تعالی را درمی‌یابد. در این داستان‌ها ضدقهرمان‌ها شکست می‌خورند و قهرمان که کودک با او همانندسازی می‌کند در نهایت پیروز می‌شود.

داستان «آی ابراهیم» که در فضای دفاع مقدس نگاشته شده است، نیز مصداق دیگری از آزادی در عقیده و ایمان است. مردی که آرزوی شهادت دارد؛ اما به دلیل وضعیتش نمی‌تواند به جبهه برود، با دوختن کفش سربازان نقش خود را ایفا می‌کند

برخی از شخصیت‌ها برای ارضای نیاز به آزادی راه پرمخاطره را در پیش گرفته‌اند و به عواقب آن نیندیشیده‌اند. برای مثال در داستان «اسب سفید و دره سبز» شخصیت‌های اصلی داستان شاد و رها در یک دره مشغول بازی می‌شوند و به خطرهای احتمالی نمی‌اندیشند، تا اینکه گرگ‌ها به سراغ‌شان می‌آیند و اسب با زیرکی تمهیدی می‌اندیشد. البته اگر ترفند اسب نبود، سرنوشت ناخوشایندی را تجربه می‌کردند. داستان «اسب و سیب و بهار» آزادی همراه با معشوق را به تصویر می‌کشد.

«بیتا» در داستان «صدای پای بزغاله‌های سبز» در حال ناخوشی و بیماری نیز میل به آزادی و رهایی دارد.

پرنده در داستان «مهمان ماه» ابتدا به ماه پناه می‌برد. ماه مدتی به او جا می‌دهد و از او نگهداری می‌کند. برخی برای او نقشه می‌کشند؛ اما ماه مهمان‌نواز خوبی است. در پایان داستان پرنده آزاد می‌شود و به سمت نامعلومی پرواز می‌کند. روباه برای تخم نقشه می‌کشد و می‌خواهد او را بخورد. او خود را در خوردن تخم پرنده، آزاد می‌داند؛ اما ماه که مهمان‌نواز خوبی است، از تخم پرنده مراقبت می‌کند. «زندگی افراد بشر به همدیگر وابسته است و فعالیت هیچ فردی را نمی‌توان به اندازه‌ای خصوصی دانست که هیچ‌گاه و در هیچ مورد برخوردی با زندگی دیگران نداشته باشد. آزادی برای مرغ ماهی‌خوار مرگ برای ماهی است. آزادی برخی از افراد مستلزم قیودی برای دیگران است یا چنانکه گفته‌اند آزادی برای یک فرد دانشگاهی در آکسفورد با آزادی برای یک دهقان مصری متفاوت است» (برلین، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

در داستان «فروشگاه من» کودک به همراهی مادر در فروشگاه علاقه‌ای ندارد. کودک با زبان مؤدبانه از مادر تقاضا می‌کند که در گوشه‌ای بایستد و او به خرید برود. کودک در این داستان خود را به انجام کاری که دوست ندارد، مقید نمی‌کند.

در «داستان پسری که بلد بود بشمارد»، پسر آزاد است و می‌تواند از خود بگوید یا نگوید و در پایان داستان نیز خودش مسیرش را انتخاب کرده است. خودش می‌تواند جمع کند یا تفریق کند. «پسری که هیچ‌وقت اسمش را به من نگفت و نگفت که بیشتر از چه چیزی می‌ترسد، آن وقت بود که تصمیم گرفت به بزرگ‌ترین عدد دنیا برسد. او سال‌های سال فکر کرد و راه‌حل‌های تازه به دست آورد و آخر سر به آرزویش رسید» (پسری که بلد بود بشمارد، ص ۱۵).

۲-۱-۲آزادی در اندیشه (خلاقیت)

در برخی از داستان‌ها اگر شخصیتی برخلاف عرف و عادت، رفتار کند، مورد تمسخر و هجمه دیگران قرار می‌گیرد. برخی از شخصیت‌ها نیز به جای انتخاب افسردگی با فکر خلاق خود، آنچه را دوست دارند، بازآفرینی می‌کنند و برخی نیز با همین فکر خلاق، خود را از دست دشمنان می‌رهانند. «منطق توانای پدر الفبای آزادی را از همان بهار کودکی در لوح اندیشه پسر حک کرد و پسر نیز چنانکه خوانندگان این رساله خواهند دید تا پایان عمر به اندرز گران‌بهای پدر وفادار ماند، هیچ عقیده‌ای را که عقلش باور نکرد نپذیرفت، از آزادی فردی که در زمان وی بازیچه احساسات تعصب‌آمیز مذهبی شده بود به شدت دفاع کرد و به قدرت هیچ مقامی که گفتارش متکی به منطق نبود، تسلیم نشد» (استوارت میل، ۱۳۴۹: ۱۰).

در داستان «زرافه من آبی است»، فکر می‌خواهد آزاد باشد، اما عرف جامعه اجازه نمی‌دهد هرگونه که می‌خواهد بیاندیشد، پس او فکر را آزاد می‌کند و در آسمان رها می‌سازد. «آزادی روان‌شناختی از طریق مجاز دانستن آزادی بیان برای کودکان، خلاقیت آنها را پرورش می‌دهد. بچه‌ها برای آزمایش چیزهای جدید باید به اندازه کافی احساس امنیت کنند و آزادی لازم با در نظرگرفتن محدودیت‌هایی در اختیار آنها قرار گیرد. آزادی بیان آنها نباید مانع آزادی دیگران شود. در شرایط خلاق، بزرگ‌سالان و کودکان به اصالت و نو بودن (ایده) بهای بیشتری می‌دهند، تا مطابقت با دیگران و همچنین گوناگونی عقاید را به تشابه آنها ترجیح می‌دهند. ما به جای اینکه از خود «محافظه‌کار» حمایت کنیم، باید خود «تجربه‌گرا» را مورد حمایت قرار دهیم» (فیشر، ۱۳۹۱: ۷۴).

در داستان «خاله لک‌لک» نیز دختربچه بدون مادر افسرده نمی‌شود و در دنیای کودکانه خود مادری برای خودش به دنیا می‌آورد و در نهایت به لک‌لک هم می‌آموزد که برای خود مادری را خلق کند. این داستان به کودک می‌آموزد که ذهن خلاق هیچ‌گاه افسرده نمی‌شود و می‌تواند جایگزینی برای دوست‌داشتنی‌های زندگی‌اش خلق کند.

داستان «بال‌های آبی من» نیز مصداق چنین افرادی است. «شهرزاد» در داستان «شهرزاد» زمانی که به دام می‌افتد تمهیدی می‌اندیشد تا دوباره آزادی‌اش را به دست آورد.

۲-۲. آزادی منفی

در این‌گونه داستان‌ها شخصیت اصلی یا فرعی داستان، آزادانه راهی را انتخاب می‌کند که سرنوشتی غم‌انگیز را برای او رقم می‌زند. در این داستان‌ها شخصیت در پایان داستان پشیمان می‌شود. در داستان «اتوبوس عوضی» این پشیمانی دیگر سودی ندارد؛ اما چون از روی ناآگاهی این مسیر را انتخاب کرده بودند، خداوند گناه آنان را می‌بخشد.

«سفر گلبرگ» ماجرای گلبرگی است که برای رسیدن به آزادی، به زور خودش را از کاسه گل، دوستانش و جایی که به آن تعلق دارد، جدا می‌سازد. دوستانش او را سرزنش می‌کنند؛ اما او به حرف‌های آنها توجهی نمی‌کند. گلبرگ در پایان داستان پشیمان می‌شود. نزد دوستانش باز می‌گردد و طلب یاری می‌کند.

در داستان «به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند»، دیگران مانع آزادی کبوتر در فعل نادرست می‌شوند و از وقوع فاجعه جلوگیری می‌کنند. در این داستان «نه» گفتن به کودک آموزش داده می‌شود. «گاهی اوقات شما در جواب دیگران فقط باید بگویید «نه» با این کتاب نه گفتن را تمرین می‌کنید» (به کبوتر اجازه نده خروس براند). در حقیقت، اگر کسی مانع کبوتر نشود و او در انتخابش آزاد باشد، ممکن است عواقب نامطلوبی داشته باشد.

شخصیت داستان «تاپ تاپ تاپ» از تجربه‌های دیگران استفاده نمی‌کند و تصمیم می‌گیرد آزادانه تجربه کند؛ اما عمرش را بر سر اکتساب این تجربه به فنا می‌دهد.

در داستان «بادکنکی که شاد بود» بادکنک هر کاری را که می‌خواهد انجام می‌دهد و کسی مانع او نمی‌شود. در پایان داستان، بادکنک قابلیت‌های قبل را ندارد.

این‌گونه داستان‌ها به کودکان می‌آموزند در انتخاب‌های خود اشتباه نکنند و با عقل و منطق تصمیم بگیرند. داستان خلاقیت گسترده‌ای است که فرد می‌تواند با استفاده از آن، عقاید به‌ظاهر نامعقول را بازیابی

کند و برای آنها جایگزینی را در نظر بگیرد (Dwivedi, 1997). همیشه نمی‌توان به میل خود رفتار کرد؛ چراکه ممکن است آسیبی به انسان یا جهان هستی وارد شود؛ بنابراین انسان در چنین مواقعی باید با تفکر منطقی از خواسته خود گذر کند. «آزادی به معنی صاحب اختیار خود بودن و آزادی به این معنی که کسی جلو کاری را که می‌خواهم بکنم نگیرد، دو چیز جداگانه است که شاید به لحاظ منطقی چندان دور از هم نباشند. چنانکه گویی این دو معنی دو طرف یک قضیه است که گاهی به‌صورت ایجابی و گاهی به‌صورت سلبی بیان می‌شود. لیکن عملاً و از نظر تاریخی این دو مفهوم مثبت و منفی آزادی در دو مسیر مختلف، و بسا به‌گونه‌ای ناهنجار پیش رفته و آخر سر به تعارض کامل با یکدیگر انجامیده‌اند» (برلین، ۱۳۸۰: ۲۵۰).

ضدشخصیت‌ها نیز که در برخی از داستان‌ها مانعی بر سر راه قهرمان داستان می‌شوند و به آنها اجازه نمی‌دهند که آزادانه در مسیر زندگی حرکت کنند، شخصیت‌هایی هستند که با آزادی منفی برانگیخته شده‌اند.

در حقیقت، موانعی بر سر راه برخی از شخصیت‌های داستان‌ها وجود دارد که نمی‌توانند، آزادانه فکر و عمل کنند. دیگران این موانع را برای آنان ایجاد کرده‌اند. این افراد دوست دارند آزاد باشند تا بتوانند مؤثر عمل کنند؛ اما دیگران مانع آنان می‌شوند و آزادی‌شان را سلب می‌کنند. «هر فرد انسانی در درجه اول این حق را برای خود ادعا می‌کند که باید آزادی فردی داشته باشد؛ مشروط بر اینکه آزادی وی به آزادی دیگران آسیبی نرساند و اینکه خودش از قوانینی که هدفش تأمین همین آزادی برای سایر افراد اجتماع است اطاعت ورزد، در آن صورت باید حق داشته باشد که آزادانه فکر کند و اندیشه خود را آزادانه انتشار دهد...» (استوارت میل، ۱۳۴۹: ۱۴).

این اشخاص معمولاً قربانی آزادی لجام‌گسیخته دیگرانی هستند که از انسانیت فاصله گرفته‌اند و قدرت‌طلبی ایشان آزادی دیگران را سلب کرده است. به‌عنوان مثال در داستان «اگر من خلبان بودم»، شخصیت داستان که مورد ظلم قرار گرفته است، آرزو می‌کند، خلبان باشد تا بتواند مؤثر باشد. تیر در داستان «ایستاده بر خاک» زندگی خود را از ابتدا تا اکنون که برخلاف میلش به اینجا آمده است، روایت می‌کند. او آزادی عمل ندارد و بازیچه دست دیگران است. انسان‌های اطرافش واقعیت‌ها را درک نمی‌کنند.

۳-۲ شخصیت‌های ناموفق

برخی از شخصیت‌ها به‌دلیل عدم برانگیختگی نیاز به آزادی، یا هراس از دست دادن بقا، با خفت و خواری زندگی می‌کنند. بعضی از این شخصیت‌ها تا پایان داستان به حال خود باقی می‌مانند. در این‌گونه داستان‌ها، گاهی کودک قضاوت می‌کند. برای مثال در داستان قدم یازدهم، وقتی شیر قدم دهم را برمی‌دارد، کودک انتظار دارد قدم دیگری را نیز بردارد. کودک با خواندن این داستان جسارت و شهامت را برای به دست آوردن ارزش‌های والاتر فرامی‌گیرد. در این داستان، شیر کوچولو برای اینکه زنده بماند، آزادی‌اش را از دست می‌دهد. «حالا سال‌های سال از این اتفاق گذشته است؛ بچه شیر بزرگ شده است و خودش چند تا بچه دارد؛ اما هنوز هم نمی‌داند که اگر آن روز قدم یازدهم را برمی‌داشت، سرش به میله قفس نمی‌خورد. نمی‌داند اگر قدم دوازدهم و بعد قدم‌های دیگر را برمی‌داشت، می‌توانست تا کجا برود و چه چیزها ببیند» (همان، ص آخر).

گویی نیاز به بقا در این شخصیت، بر نیازهای دیگرش غلبه دارد. کودکان او هم‌چنین خصلتی دارد؛ اما یکی از این کودکان با دیگران متفاوت است. او آزادی را به اسارت در زندان مرجح می‌داند: «این روزها بچه‌های او هم قدم‌هایشان را می‌شمارند. قفس‌هایشان بیشتر از ده قدم نیست. یکی از آنها همیشه سعی می‌کند سرش را از لای میله‌های قفس بیرون بیاورد. شاید او یک روز از قفس بیرون بیاید و ده قدم، یازده قدم، صدقدم و هزار قدم جلو برود. شاید بچه‌هایش را توی کوه به دنیا بیاورد. آن‌وقت آنها به جای اینکه در قفس ده قدمی زندگی کنند، لابه‌لای درخت‌ها بازی می‌کنند و او برای بچه‌هایش تعریف می‌کند که دنیا چقدر بزرگ‌تر و زیباتر از یک قفس ده قدمی است» (همان).

در داستان «اردک کشاورز»، شخصیت اصلی داستان به‌دلیل ترس از دست دادن بقا، آزادی‌اش را از دست می‌دهد. نویسنده در ابتدای داستان به بخت بد اشاره کرده است: «روزی روزگاری اردکی بود که از بخت بد با کشاورز پیر تنبلی زندگی می‌کرد» (ص: ۱) در حالی که اردک مسبب زندگی خویش است. اردک در این داستان، هیچ تلاشی برای آزاد شدن نمی‌کند و در اسارت می‌ماند. اما دوستان آرام ننشستند. آنها که از این وضعیت اردک شادمان نبودند، تصمیم گرفتند او را نجات دهند و به مبارزه با ظالم شتافتند. آنها برای به دست آوردن آزادی، مبارزه را انتخاب کردند و کشاورز را از مزرعه بیرون انداختند: «همه با هم تخت را بلند کردند و فریاد کشاورز به آسمان بلند شد. بعد آنقدر کشاورز را روی تخت این طرف و آن طرف انداختند و بالا بردند و پایین آوردند و بالا بردند و پایین آوردند، تا افتاد زمین،... و کشاورز رفت و دیگر هیچ‌وقت برنگشت» (همان).

در واقعیت درمانی مشاور ابتدا می‌کوشد با برقراری ارتباط عاطفی با مراجع به تغییر رفتار او بپردازد. مشاوران با پرسش‌های ماهرانه می‌توانند مراجعان را وادار به خودارزیابی کنند. البته این مراجع است که قضاوت‌های ارزشی انجام می‌دهد نه مشاور. گاهی مراجعان بر حسب اتفاق و با اندکی تفکر، رفتارشان را ارزیابی می‌کنند (Wubbolding, 1998). نویسنده نیز این توانایی را دارد که با ایجاد خواننده درون متن، به برقراری ارتباط عاطفی با کودک بپردازد. بی‌تردید در فرایند خواندن داستان، سؤالاتی در ذهن کودک ایجاد می‌شود و بدون اینکه احساس کند یک بزرگ‌سال او را کنترل می‌کند به ارزیابی و گاهی تجدیدنظر در رفتار خود می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

پیرو بررسی انجام‌شده، حدود ۲۵ درصد شخصیت‌های داستان‌ها با نیاز به آزادی برانگیخته می‌شوند. غلبه نیاز به آزادی در اغلب این شخصیت‌ها به وضوح دیده می‌شود؛ اما در برخی از شخصیت‌ها گاه‌گاهی بروز و ظهور می‌کند. در داستان‌های بررسی‌شده، می‌توان آزادی را به دو بخش آزادی مثبت و منفی تقسیم کرد. آزادی مثبت در این داستان‌ها، به شخصیت‌هایی مربوط می‌شود که نیاز آن‌ها به آزادی نیازی منطقی و معقول است و شخصیت‌های دارای آزادی منفی شخصیت‌هایی هستند که ارضا شدن نیازشان ممکن است به نابودی ارزش‌های والاتر منجر شود.

شخصیت‌های دارای آزادی مثبت، شخصیت‌هایی هستند که در سلامت روانی به سر می‌برند و در پی ارضای یک نیاز طبیعی و سالم، اغلب رفتار درست را انتخاب می‌کنند.

برخی از این شخصیت‌ها به مرحله‌ای رسیده‌اند که برای به دست آوردن آزادی از دست رفته خود، همه راه‌های ممکن را می‌آزمایند و از خطر پروایی ندارند. شخصیت ماهی سیاه کوچولو، کرگدن، تیزپر، نیب، آرش، پاپر، لولو، شخصیت‌های اصلی داستان‌های مذهبی و کبوترها در داستان «تا مدرسه راهی نیست»، چنین رویکردی دارند. این شخصیت‌ها برای رسیدن به آزادی، راه سفر، مبارزه و تلاش را پی می‌گیرند و از آرمان‌های خود دست برنمی‌دارند. در حقیقت، آنها در مرکز وقایع داستان قرار دارند و نیروی اصلی گسترش‌دهنده داستان هستند. کودک می‌تواند با این شخصیت‌ها همانندسازی کند و در تجربه‌هایشان سهیم شود و از آن‌ها الگوبرداری کند.

در داستان‌های مذهبی نیز، شخصیت‌های اصلی داستان، اعتقاداتشان را با امتیازات مادی معاوضه نمی‌کنند. اعتقاد به خدا چنان در روح و جانشان نفوذ کرده است که دسیسه‌های غیر بر آنها کارگر نیست.

براساس الگوی داستان‌های مذهبی، شخصیت‌های اصلی این داستان‌ها، بر باورهای معنوی خویش پافشاری می‌کنند و در پایان داستان نیز خداوند به آن‌ها زندگی مطلوبی عطا می‌کند و از شر دشمنان مصونشان می‌دارد.

موانعی بر سر راه برخی از شخصیت‌های داستان‌ها وجود دارد. از جمله اینکه نمی‌توانند، آزادانه فکر و عمل کنند و از خود آثار مطلوب به جای گذارند. برخی از شخصیت‌ها نیز به دلیل فقدان نیاز به آزادی، پایان خوبی ندارند یا در داستان به کمک دوستان به اشتباه خود پی می‌برند و به اصلاح رویکرد خویش می‌پردازند.

توصیه‌های کاربردی

با توجه به پژوهش انجام‌شده و این حقیقت که ادبیات و کتاب کودکان، خصوصاً کتاب‌های داستان بر کودکان مخاطب تأثیرات انکارناپذیر و شایان‌توجهی دارد، به نویسندگان این حوزه توصیه می‌شود که با دانستن روان‌شناسی دوران کودکی به نگارش کتاب‌های مناسب برای کودکان بپردازند و منتقدان آثار کودک و نوجوان نیز در گزینش آثار برتر این نکته را در نظر داشته باشند.

توصیه برای پژوهش‌های آینده

با توجه به اهمیت پژوهش‌های بینارشته‌ای و این حقیقت که ادبیات کودکان پیوندی ناگسستنی با روانشناسی دوران کودکی دارد، پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان باید علاوه بر نقد جنبه‌های ادبی کتاب‌های مربوط به کودکان، با همراهی متخصصان روان‌شناسی به بررسی کتاب‌ها از منظر میزان تأثیرگذاری آنها بر روان مخاطبانشان همت گمارند.

در حقیقت هر ساله کتاب‌های بسیاری برای کودکان نوشته و منتشر می‌شود و خواندن بعضی از این آثار به کودکان نیز توصیه می‌گردد؛ بنابراین بهتر است پیش از انتشار این آثار، به نقد و تحلیل آنها از منظر میزان تأثیرگذاری‌شان بر روان مخاطبان نیز پرداخته گردد. علاوه بر نظریه گلاسر که برای نقد دیگر آثار مربوط به کودکان، نظریه‌ای کارآمد و شایان توجه است، می‌توان برای نقد روان‌شناسانه آثار کودک و نوجوان، از دیگر نظریات روان‌شناسی و روان‌درمانی متناسب با داستان‌ها استفاده کرد.

همین‌طور پژوهشگران می‌توانند با بررسی داستان‌های برگزیده کودکان براساس غلبه نیازهای قدرت، عشق، بقا و تفریح در نظریه گلاسر به نتایج شایان‌توجهی دست یابند.

منابع

آجورلو، مریم؛ زیبا برقی ایرانی و مهناز علی‌اکبری دهکردی (۱۳۹۵). «تأثیر قصه درمانی بر کاهش اضطراب و بهبود عادات خواب کودکان مبتلا به سرطان تحت شیمی‌درمانی». فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی سلامت، ۵(۱۸) ۸۷-۱۰۷. بازیابی شده در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ از
https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=290747

استوارت میل، جان (۱۳۴۹). *رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

برلین، آیزایا (۱۳۸۰). *چهارمقاله درباره آزادی، چاپ دوم*. ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

بتلهایم، برونو (۱۳۸۷). *کودکان به قصه نیاز دارند (کاربردهای افسانه و افسون)*. ترجمه کمال بهروزنیا، تهران: افکار.

پریرخ، مهری (۱۳۸۲). «نقش ادبیات کودکان و نوجوانان در پاسخگویی به نیازها». پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۲۳، صص ۱۹-۲۷.

پریرخ، مهری. (۱۳۸۸).«*داستان، همچون ابزاری برای کمک به کودکان و نوجوانان در مقابله با مشکلات، بررسی داستان‌های کودکان با رویکرد کتاب‌درمانی*». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۴۷.

رجب‌پور فرخانی، سمیه (۱۳۹۰). «اثربخشی قصه درمانی در کاهش اختلال رفتاری دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی تفکر و کودک. سال دوم، ۲ (۲)، ۱۹-۳۵. شماره ۲. بازیابی شده در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ از
https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=183235

روشن، آرتور (۱۳۹۱). قصه‌گویی؛ چگونه از داستان برای کمک به کودکان در رفع مشکلات زندگی بهره ببریم. ترجمه بهزاد یزدانی و مژگان، تهران: جوانه رشد.

شکرآبی زاهد، حمیده (۱۳۹۲). *برگ‌های ماندگار؛ کتابشناسی کتاب‌های برندهٔ کودکان و نوجوانان (۱۳۰۰-۱۳۹۰)*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شیبانی، شهناز، مجید یوسفی لویه و علی دلاور (۱۳۸۶). «تأثیر قصه درمانی بر کاهش علائم افسردگی در کودکان افسرده». پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۴ (۶)، ۸۹۳-۹۱۶. بازیابی شده در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ از
https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=56802

عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱). شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر، تهران: آن.

فاضلی، عصمت (۱۳۹۷). «اثربخشی قصه درمانی بر پرخاشگری و اضطراب دانش‌آموزان دختر دبستانی». *فصلنامه علمی‌پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی*، ۴(۱۹)، ۷۰-۸۰. بازیابی شده در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ از
https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=346699

فروم، اریش (۱۳۵۳). *گریز از آزادی*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

فیشر، رابرت (۱۳۹۱). *آموزش تفکر به کودکان*. ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، تهران: گوزن.

کهنسال، مریم (۱۳۹۷). «تحلیل روان‌شناختی شخصیت بهرام در هفت پیکر نظامی با تکیه بر فرایند قصه درمانی». *بوستان ادب*، ۱۰ (۲)، ۱۰۹–۱۲۸. Doi: 10.22099/JBA.2017.23779.2515

گلاسر، ویلیام (۱۳۸۲). *نظریه انتخاب؛ روانشناسی نوین آزادی شخصی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.

گلاسر، ویلیام (۱۳۸۷). *نوجوانان ناخشنود*. ترجمه کیوان سپانلو، لادن گنجی، تهران: سبزان.

لویمی، فاطمه و سحر صفرزاده (۱۳۹۵). «اثربخشی قصه درمانی بر کمرویی، افسردگی و عزت‌نفس کودکان پیش‌دبستانی شهرستان اهواز». *مجله پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، ۲ (۶)، ۳۲–۴۷. بازیابی شده در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ از
https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=305969

نیک‌منش، زهرا و یحیی کاظمی (۱۳۸۹). «تأثیر الگوی آموزش خوش‌بینی به روش قصه‌گویی بر کاهش افسردگی کودکان». *روان‌شناسی معاصر*، ۳ (۲)، ۵–۱۳. بازیابی شده در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ از
https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=105854

یاوری، حورا (۱۳۸۴)؛ *زندگی در آینه، گفتارهایی در نقد ادبی*. تهران: نیلوفر.

یوسفی‌لویه، مجید و متین آذر (۱۳۸۵). «تأثیر قصه درمانی بر راهبردهای رویارویی کودکان با مشکلات یادگیری»، فصلنامه کودکان استثنایی. ۲ (۶)، ۶۰۰– ۶۲۲. بازیابی شده در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ از
https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=56808

Egri, L. (1960). The Art of Dramatic Writing: Its Basis in the Creative Interpretation of Human Motives. New York, NY: Simon and Schuster.
Dwivedi, K. (1997). The Therapeutic Use of Stories. London: Routledge.
Glasser, W. (1985). Choice Theory: A New Explanation of How We Control Our Lives. New York: Harper & Row.
Glasser, W (1998). Choice Theory. New York: Harper Collins.
Wubbolding, R. (1998). Using Reality Therapy. New York: Harper & Row.

کتاب‌های کودک و نوجوان

اکبرپور، احمد (۱۳۸۸). اگر من خلبان بودم. تصویرگر؛ هدا حدادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

اکرمی، جمال‌الدین (۱۳۸۴). زربال. تصویرگر؛ فرشید شفیعی، تهران: شباویز. گروه سنی ج و د.

احمدی، احمدرضا (۱۳۹۵). اسب و سیب و بهار. تصویرگر: راشین خیریه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. گروه سنی د.

احمدی، احمدرضا (۱۳۸۴). روزی که مه بی‌پایان بود. تهران: شباویز. گروه سنی ج و د.

امامی، غلامرضا (۱۳۶۰). آی ابراهیم. تصاویر از بهرام خائف، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

انواری، سحر (۱۳۸۷). لولوی قشنگ من. تصویرگر؛ افرانوبهار، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. گروه سنی الف.

ایراندوست، علی اکبر (۱۳۷۴). تا مدرسه راهی نیست. تصویرگر: نسرین خسروی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. گروه سنی ب و ج.

پوریا، سرور (۱۳۶۸). اسب سفید و دره سبز. تصویرگر بهزاد حاتم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۲). ایوب. تصویرگر: حافظ میرآفتابی، تهران: شباویز، گروه سنی ب و ج.

جوادی متقی، شبنم (۱۳۸۳). فروشگاه و من. تصویرگر؛ مهرنوش معصومیان، تهران: شباویز. گروه سنی الف و ب.

حدادی، حدا (۱۳۸۴). پسری که بلد بود بشمارد. تهران: شباویز.

خلعت‌بری، فریده (۱۳۸۴). شهرزاد. تصویرگر: فرشید شفیعی، تهران: شباویز. گروه سنی ج.

خلعت‌بری، فریده (۱۳۸۶). اتوبوس عوضی. تصویرگر: شراره خسروانی. تهران: شباویز.

دهقان سلماسی، راضیه (۱۳۷۶). بال‌های آبی من. تصویرگر: کبری ابراهیمی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. گروه سنی.

رید، باربارا (۱۳۸۷). موش مترو. مترجم؛ مریم واعظی، تهران: مرکز نشر صدا.

رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۳). ابراهیم. تصویرگر: حافظ میرآفتابی، تهران: شباویز. گروه سنی ج.

طاقدیس، سوسن (۱۳۸۳). قدم یازدهم. تصویرگر؛ معصومه کشایی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. گروه سنی الف وب.

شمس، محمدرضا (۱۳۸۲). خاله لک‌لک. تصویرگر؛ نگین احتسابیان، تهران: شباویز. گروه سنی ب و ج.

طاقدیس، سوسن (۱۳۸۵). صدای پای بزغاله‌های سبز. تصویرگر: مرجان وفاییان، تهران: شباویز. گروه سنی ب و ج.

طاقدیس، سوسن (۱۳۸۴). زرافه من آبی است. تصویرگر علیرضا گلدوزیان، تهران: کتاب‌های شکوفه.

کی‌مرام، منوچهر (۱۳۷۹). سفرگلبرگ. تصویرگر؛ سارا ایروانی، تهران: شباویز. گروه سنی ب.

کلهر، فریبا (۱۳۹۰). سفرهای کرگدن؛ همسفر کوچک. تصویرگر؛ نرگس محمدی، تهران: امیرکبیر. گروه نی ج و د.

کسرایی، سیاوش (۱۳۹۴). آرش کمانگیر. تصویرگر فرشید مثقالی، گروه سنی ج و د، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

محمدی، گلاله (۱۳۸۵). مهمان ماه. تصویرگر: فرشته نجفی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. گروه سنی ب.

میرکیایی، محمد (۱۳۷۶). پاپر. تصویرگر؛ آیتای خرمی‌نژاد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. گروه سنی ج.

مشهدی رستم، فاطمه (۱۳۸۴). تاپ تاپ تاپ. تهران، شباویز. گروه سنی ب و ج.

وادل مارتین (۱۳۸۲). اردک کشاورز. تصویرگر: هلن اکسنبری، مترجم: شیدا رنجبر، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. گروه سنی الف.

ویلمز، مو (۱۳۸۶). به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند. مترجم، زهرا احمدی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گروه سنی الف.

هجری، محسن (۱۳۷۸). ایستاده برخاک. تصویرگر؛ بهرام خائف، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. گروه سنی ج و د.

Psychological Analysis of "Need for Freedom" in the Characters of Selected Stories for Children and Adolescents' Books Based on William Glasser's Choice Theory

Naser Nikoobakht[1]
Tarbiat Modares University
Mohsen Asghari nekah[2]
Ferdowsi University of Mashhad
Somaye Rezaee[3]
Tarbiat Modares University
Jafar Fasaei[4]
Hormozgan University

Abstract

Introduction: Romances and stories and in particular, children's literary creations have a significant potential to be utilized as a solution for children's behavioral and personality disorders as well as enhancing some of their abilities.

Methodology: Investigating the effect and impact of these stories requires the use of a branch of literary criticism which is within the scope of psychological criticism. In this matter, the theories of William Glasser, as one of the most positive psychologists in the field provide some useful theories to analyze these texts and concepts. It should be noted that one of the basic needs of human is his/her need for freedom that has been addressed in the Glasser's theory. As such, the current research evaluates 145 children's favorite books translated or written during 1921-2011. Moreover, this research conducts a psychological analysis using a qualitative-deductive content analysis approach for about 30 stories that freedom is an outstanding issue in their characters. The required data was gathered by a documentary method in which the purposeful sampling method was carried out to choose the sample of the study.

1 n_nikoubakht@modares.ac.ir
2 Asghri-n@um.ac.ir
3 somayehrezaee@ymail.com
4 jfasaei@yahoo.com

Findings: In this paper, the freedom is divided into two parts of positive and negative liberties. The positive liberty is related to those characters that often choose the right behavior after satisfying a natural and healthy need. On the other hand, the characters via negative liberty are those characters that violate people's rights to accomplish their goals.
Conclusion: The obtained results of the paper revealed that those characters that are motivated by positive liberty and choose the right behavior to satisfy their needs can achieve good results at the end of the story. Conversely, those characters that are motivated by negative liberty or choose to incorrect behavior to satisfy their needs for freedom may fail at the end of the story. Finally, it is worthwhile to suggest to all writers and critics of child and adolescent books that by studying children's psychology, they can better choose those studies that are appropriate for them. Furthermore, with the help of psychologists, both child and adolescent literature researchers will psychologically review all studies related to these young audiences. For this purpose, they can rely on Glasser's theory and other general theories of counseling and psychotherapy that are appropriate for the subject matter of the stories.
Keywords: Children and adolescent's story books, Fictional characters, Need for freedom, Theory of choice, William Glasser